



تفسیر سوره لقمان - قسمت هفتم



معتقدات و باورهای انسان

آیه الله مشکینی

کسی که آنها را استخدام کرده و در مقابل آن کار پول می دهد، عذابش سخت تر و دردناک تر است.

مصدق سوم لهوالحدیث و سخن باطل که انجامش حرام و پول گرفتن در برابر آن حرام است، کار کارمندان دستگاههای جاسوسی جهان است مانند سیا، موساد، کا.گ.ب و... که از همه سیاه تر و پلیدتر همان دستگاه جاسوسی سیا آمریکا است.

بنابر این، مصداق لهوالحدیث، منحصر نیست به آوازه خوانان بلکه این دو گروه دیگر را نیز - که ذکر شد - متضمن می شود. و حکم هم منحصر نیست برای مرتکبین، بلکه خریدن، پول گرفتن و مصرف کردن در این راه نیز همان حکم را دارد. لذا در روایتی که از پیامبر گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله» نقل شده که فقها از آن قاعده کلی ای را استفاده کرده اند، می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَمَهُ» خداوند هر کاری را حرام کرده، مزدش را نیز حرام کرده است. پس، هر کاری که شرعاً حرام است، فروختن، اجاره دادن آن کار و مزد گرفتن در برابر انجام آن کار نیز حرام است. پس وقتی که آواز خوانی و دروغ پراکنی خبرگزاری و جاسوسی حرام است، آنچه که در برابرش پول پرداخت می شود، جرم است و خیانت است و حرام.

روگردانی از آیات الهی

درآیه بعدی که مورد نظر ما است - در این بحث - می فرماید: و اگر بر او آیات ما خوانده شود، چنان با غرور و کبر و خودخواهی، پشت می کند و روگردان می شود که گوئی نشنیده است یا هر دو گوشش کراست.

آری! آنان که متصدی این کارها هستند و انجام دهندگان

«وَ إِذَا تُنْتَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُنْتَكِبًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا، فَيَسْتَرْفِعُ بِعَذَابِ آلِيمٍ.»

(سوره لقمان - آیه ۷)

و هرگاه آیات ما بر او تلاوت شود، چنان با تکبر پشت کند که گوئی نشنیده است یا اینکه از هر دو گوش کراست. (ای پیامبر ما) او را به عذابی دردناک بشارت ده.

مصادیق لهوالحدیث

در آیه گذشته، بحث از لهوالحدیث و سخن باطل بود. از آیه چنین استفاده شد که سخن باطل، عمل منکر و حرامی است و آن کس را که انجام داده در برمی گیرد چه در مقابل کارش حقوقی دریافت کرده و چه دریافت نکرده باشد. و در هر صورت، در مقابل لهوالحدیث پول گرفتن حرام و برای انجام آن پول مصرف کردن نیز حرام است.

و درباره مصداق لهوالحدیث گفتیم که تنها آوازخوانی و غنا نیست، بلکه مصداق دیگرش کار خبرگزاری است که اخبار دروغ را گزارش می کنند و حقایق را وارونه جلوه می دهند که کار آنها حرام و عذابی دردناک استقبالشان خواهد کرد. خبرنگاران رسمی خبرگزاریهای استکباری یا حقایق را وارونه جلوه داده و خبرهای دروغ گزارش می کنند و یا اینکه اسرار یک ملت را به ابرقدرتها و ابرقدرتها می رسانند که در هر دو صورت مصداق بارز لهوالحدیث و حرام است، و این فرق نمی کند. چه قلم آنها روی کاغذ جریان پیدا کند و چه با بیان و سخن، مطالب را گزارش دهند که در هر دو صورت لهوالحدیث است و

لهوالحدیث می‌باشند، هنگامی که آیه‌های روشن و ادله و براهین قرآنی را به گوش آنان می‌رسانی و نوای دلتناز قرآن از رسانه‌های گروهی دنیا در این جزایرتناهی پراکنده می‌شود و قطعاً به گوش آنها نیز می‌رسد، آنچنان روگردان می‌شوند که گویی نشنیده‌اند. و نه اینکه نمی‌شنوند بلکه روح استکباری و خودخواهی چنان بر جان و قلب آنها مسلط شده که از آیات الهی گریزان می‌باشند.

آنگاه خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: ای پیامبر ما اینان را به عذابی دردناک و سخت بشارت ده. یعنی تو حکم را برای اینها بیان کن و بگو: غنا حرام است، جاسوسی - به این نحو حرام است، دروغ و تهمت حرام است و در برابر هر حرامی در یافت حقوق نیز حرام است و اینها که نمی‌خواهند این آیات را بشنوند، گویا در گوششان سنگینی و قره‌ست، ما برای اینها عذابی دردناک مهیا خواهیم کرد. اینها را مژده بده به عذاب و چه عذابی؟ عذاب دردناک و سهمگین.

برخی از مفسرین خیال می‌کنند، این عذاب دردناک منحصر به مابعد از مرگ و در عالم قیامت است ولی شاید تنها منحصر به قیامت نباشد، بلکه در دنیا نیز معذب شوند. مگر نه خداوند وعده داده است که روزی مؤمنان را خلافت در زمین بدهد و مستضعفین از دست مستکبران رهائی یابند؟ پس هرگاه وعده الهی تحقق یافت، عذاب دردناک در همین دنیا نیز به آن دشمنان و ابرجسایتکاران خواهد رسید. که طلیعه‌اش امروز از ایران شروع شده و به زودی - به خواست خداوند - جهان را فرا خواهد گرفت.

«إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌ وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ التَّيْمِيمِ».

آنانکه ایمان آوردند و اعمال نیکو داشتند، باغهای پر برکت بهشتی به آنان خواهیم داد.

مؤمنان و بهشت

پیامبر ما! همه از عذاب و گناه نگو، بلکه مؤمنین را نیز به بهشت جاودان بشارت ده. بهشتی که پر از برکت و نعمت و باغهای پرثمر خواهد بود.

در اینجا سئوالی پیش می‌آید: شما که می‌گوئید: معاد جسمانی است، پس آن بهشت را هم مادی می‌دانید؟

آری! ما بر طبق بیان کامل و صریح قرآن مدعی هستیم که عالم آخرت هم مادی است و هم روحی. یعنی هم روح ما در آنجا منتعم است و هم بدن ما، هنگامی که قفس بدن می‌شکند و روح ما به یک عالمی بنام عالم برزخ پرواز می‌کند، در آنجا

بایگانی می‌شود - البته یا منتعم است و یا معذب. ولی آنگاه که صحنه قیامت بر پا می‌شود و زمین را زلزله‌ای سخت فرا می‌گیرد «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» و از میان شکم زمین، انسانها و حیوانات و موجودات زنده بیرون می‌ریزند و در لابراتوار حقیقی الله روحهای بایگانی شده، باز به کالبدها و بدنها برمی‌گردند و ارواح با ابدان دگر بار ازدواج می‌کنند، آنجا است که با همین بدن و همین روح به بهشت یا جهنم خواهیم رفت - که امیدواریم نظر لطفش را بر ما بیفکند و ما را همراه با صالحان و مؤمنان به بهشت جاودان ببرد. ولی بهشت کجا است؟ این را ما نمی‌دانیم. ولی آنچه از قرآن بر می‌آید این است که مقام مؤمنان بالاتر از آن است که آنها را به بهشت ببرند، بلکه بهشت را به خدمت آنها می‌آورند. «وَإِذَا الْجَنَّةُ أُنزِلَتْ» هنگامی که بهشت را به بهشتیان نزدیک می‌سازند. و در آیه ۳۱ سوره «ق» می‌فرماید:

«وَأُنزِلَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ» و بهشت را برای تقوا پیشگان نزدیک آورند که هیچ از آن دور نباشند.

و اما بهشت در کجا واقع است، آیا در همین کره است یا اینکه در کرات دیگری است که از ما پنهان است و چندین میلیون برابر زمین است؛ این را ما نمی‌دانیم ولی می‌دانیم که عالم برزخ در همین عالم زمین است و جای حساب ما هم همین جا است.

شرط رسیدن به این جنات نعیم چیست؟

این جنات نعیم و باغهای روح افزا که هیچ پژمردگی و خرابی و نابودی ندارد و برای همیشه هست و از آن مؤمنین منی نباشد، دارای دو شرط است که در صورت پندایش این دو شرط برای هر کس، به او ارزانی خواهند داشت و به رایگان تقدیم ایشان می‌شود.

این دو شرط در همین آیه ذکر شده است:

۱ - الذین آمنوا: ایمان و باور کردن که مربوط به مغز و روان انسان است.

۲ - وعملوا الصالحات: کار نیکو کردن که توسط بدن انسان انجام می‌پذیرد.

برخی از افراد ممکن است ایمان و اعتقاد داشته باشند ولی در برابر احکام و فرایض، سستی و تبلی نشان می‌دهند، و خلاصه اعمال صالح بجای نمی‌آورند، اینان از بهشت بهره‌ای نخواهند برد، زیرا ایمان و عمل صالح متلازم باهم می‌باشند و هیچگاه از هم جدا نمی‌شوند. و همانگونه که ممکن نیست یک موتور قوی و بدون هیچ عیب وجود داشته باشد و ماشین را

بحرکت نیندازد، یک انسان با ایمان هم، ممکن نیست بدون عمل صالح پذیرفته درگاه مقدس الله شود.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: خدا آن مؤمنی را که دین ندارد، میغوش می‌دارد. سؤال شد: یا ابن رسول الله! مگر ممکن است مؤمنی باشد که دین نداشته باشد؟ فرمود: آری! مؤمنی که عقیده دارد ولی وقتی به عمل می‌رسد، حرکت ندارد. خداوند چنین مؤمنی را دشمن می‌دارد.

معتقدات انسان

در این آیه، می‌فرماید اگر کسی ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، به بهشت می‌رود. ولی در آیه روشن نمی‌شود که باید ایمان به چه چیزهایی داشته باشد؟ اینجا است که باید پاسخ را از آیات دیگر قرآن در یابیم. ولذا مفسرین گفته‌اند: در تحقیق آیات شریفه قرآن، اینطور نیست که آیه آیه بررسی کرد بلکه هر آیه‌ای، آیه دیگری را تفسیر و توضیح می‌دهد، پس باید تمام آیات را با هم مد نظر قرار داد، و از این رو است که می‌بینیم گاهی برای اینکه آیه‌ای را تفسیر کنیم، نیاز به این داریم که بیست یا سی آیه قرآن را مطالعه نمائیم تا معنای آیه معلوم شود.

حال برویم سراغ معتقدات و آنچه که باید یک مسلمان باور داشته باشد.

معتقدات انسان دو قسم است

۱- اعتقادات و باورهای که باید در تکاپو و جستجوی آنها باشی.

۲- اعتقاداتی که تحصیل و جستجوی آنها لازم نیست ولی هرگاه آموختی و درک کردی باید به آنها معتقد شوی.

و به عبارت دیگر: برخی از اعتقادات هست که در روز قیامت از مؤمن می‌پرسند: چرا نرفتی و در پی فهم آنها برنیامدی؟ ولی درباره برخی دیگر سؤال نمی‌شود.

آن اعتقاداتی که باید بی‌سرم و یاد بگیریم و تعقیب نمائیم و بفهمیم همان اصول پنجگانه دین است. پس هر انسانی باید خدا را بشناسد و به وحدانیت او معتقد باشد و بداند که خداوند تمام صفات کمال را دارا است بلکه او کمال محض است و هیچ ظلم و ستمی از ذات مقدسش سر نمی‌زند. و باید باور کند که خداوند فرستادگان و پره‌ای برای بشر فرستاده است که آنان را به برنامه‌های الهی آشنا سازند و باید به جانشینان پیامبر «ص» معتقد باشد و مسئله رهبری و امامت را اذعان داشته باشد و معاد و قیامت و حساب و کتاب روز جزا را نیز باور کند.

ولی اصول و عقاید دیگری هم وجود دارد که واجب نیست انسان آنها را تعقیب کند ولی اگر به آنها رسید و پی برد، باید آنها را باور کند.

این اعتقادات بسیار است و ما برخی از آنها را فهرست وار یادآور می‌شویم:

۱- علم رسول و امام: انسان باید معتقد باشد، آن پیامبر و امامی را که خداوند برای مردم اعزام نموده، علم دارند به آنچه که بشر از احکام و قوانین نیاز دارد. پس علم النبی و علم الامام باورکردنی است و باید انسان به آن ایمان بیاورد.

۲- عصمت: انسان باید باور داشته باشد که پیامبر-چه قبل از بعثت و چه بعد از آن- و همچنین امام-چه در سن خردسالی و چه در کبر سن- در هیچ حالی گناه نکرده‌اند و هیچ گناهی-چه عمداً و چه سهواً- از آنها سر نزده است.

۳- سنت: همانگونه که خداوند قرآن را برای هدایت مردم فرستاده است و آن را حجت قرار داده است، روایات صادره از پیامبر و امامان نیز حجت است و باید مانند قرآن مورد عمل قرار گیرد و اگر کسی قرآن را بگیرد و سنت را رها کند، گناه بزرگی مرتکب شده است، بلکه باید قرآن را توسط روایات معصومین علیهم السلام شناخت.

۴- اراده تکوینی: هر انسانی باید معتقد باشد که پروردگار تمام حرکت‌های جهان-از حرکت‌های اتمهای ریز و الکترون‌ها و نوترون‌ها و پروتون‌ها گرفته تا حرکت کهکشان‌ها و سیارات و افلاک- را زیر نظر دارد و همه تحت مشیت و اراده الله حرکت می‌کنند. او است که می‌میراند و زنده می‌کند و او است که حرکت و سکون می‌بخشد و او است که تمام قلب و انقلابات عالم را تحت نظام علیت و معلولیت اداره می‌نماید.

۵- انسان معتقد باشد که نه جبر است و نه تفویض بلکه امر بین الامرین است. و این مطلبی است که در چند خط نمی‌توان آن را توضیح داد ولی اجمال آن این است که: خداوند به ما اراده و اختیار داده است که هرکاری را بتوانیم انجام دهیم «وهدیناه التجدین» ولی در تمام اراده‌های ما، اراده الله دخالت دارد. زیرا او به ما فکر، توان و نیرو داده است و تمام عوامل طبیعی نیز مخلوق خدا است.

۶- اعتقاد به معاد جسمانی.

۷- اعتقاد به شفاعت.

۸- اعتقاد به عالم برزخ.

۹- اعتقاد به بهشت و جهنم.

۱۰- اعتقاد به حساب و میزان و صراط و...

ادامه دارد.